



بائس من عزیزم انگیز برک ریز
کشت روز می رسم و تو را می بهار است

نشریه دانشجویی ژرفا دانشگاه فرهنگیان سال هفتم | شماره ۴۶ ام | سال ۱۴۰۰ | توزیع رایگان

صاحب امتیاز: انجمن علمی ادبی زبان و ادبیات فارسی، پردیس زشبکبری (س) اراک

مدیرمسئول: فاطمه کاووسی

سردبیر: سارا فرج دنیوی

کارگروه ادبی هنری: مهدیه غفاری و فاطمه کاووسی

طراح جلد و صفحه‌آرایی: سارا فرج دنیوی و فاطمه کاووسی

روابط عمومی و فضای مجازی: مهدیه غفاری و فاطمه کاووسی

ویراستاران: کتایون گودرزی، سارا فرج دنیوی

هیئت تحریریه

فاطمه کاووسی، مهدیه غفاری، مائده رضایی، کتایون گودرزی

چند نکته:

۱. نشریه‌ای که در دست دارید، دانشجویی بوده و با همکاری دوستانه و صمیمانه دانشجویان پردیس حضرت زینب کبری (س) اراک تهیه شده است.
۲. آماده دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما عزیزان هستیم.
۳. با کلیک بر روی گزینه‌ها می‌توانید از قابلیت‌های آن‌ها برخوردار شوید و با کلیک روی مطالب فهرست می‌توانید به صفحات مربوط به هر مطلب پیمایش کنید.



فهرست مطالب

- ۲۷ شهریور، روز شعر و ادب پارسی ۳
- تازه‌های نشر (هزارواژهٔ حمل و نقل (۳) ۵
- حرم‌سرای قذافی (معرفی کتاب) ۹
- دانشگاه کلمبیا (معرفی دانشگاه بین‌المللی) ۱۰
- مصاحبه با دبیر زبان و ادبیات فارسی (دانش‌آموخته دانشگاه فرهنگیان) ۱۱
- حدیث نظربازی و رندی در ادب عرفانی ۱۴
- داستان کوتاه ۱۵



سالروز درگذشت استاد شهریار

مآده رضایی

۲۷ شهریور، روز شعر و ادب پارسی

* عنوان دوم

به چه دلیل روز ۲۷ شهریورماه روز بزرگداشت شهریار است؟

این حضور و نفوذ تا بدان جا شد که روز بیست و هفتم شهریور، سالروز درگذشت شهریار، شاعر معاصر ایرانی (۱۲۸۵ تا ۱۳۶۷)، با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، روز ملی شعر و ادب پارسی، نامیده شده است. با اینکه این نام‌گذاری در تقویم ملی کشور امری فرخنده است، عده‌ای هم‌زمانی آن را با روز درگذشت استاد شهریار را نادرست و ناشی از نفوذ سیاسی پیشنهاددهنده می‌دانند. در آستانه روز ادب فارسی علی‌اصغر شعر دوست سیاستمدار و محقق ایرانی که سوابقی؛ چون سفیر ایران در تاجیکستان، نماینده مردم تبریز اسکو آذرشهر در دوره ششم مجلس شورای اسلامی و اولین دبیر شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور را در کارنامه خود دارد و نیز پیشنهاددهنده زادروز شهریار به نام روز شعر و ادب فارسی است.

* عنوان سوم

چرا از بین این همه شاعر و نویسنده روز درگذشت شهریار روز شعر و ادب فارسی انتخاب شده است؟

در تاریخ ادبیات هر سرزمین، شاعران و نویسندگان کم‌شماری هستند که چون ستون‌های استوار، آسمان آن سرزمین را بر سر انبوه شاعران و نویسندگان دیگر نگاه می‌دارند. چنین نوابغی هرچند سده یک‌بار ظهور می‌کنند. تاریخ ادبیات یک ملت برای ظهور چنین نوادری به ادوار مختلف تقسیم می‌شود. شاعرانی چون فردوسی، نظامی، خاقانی، مولوی، حافظ، سعدی و صائب از ارکان شعر ما به شمار می‌روند و در پیدایی ادوار مهم ادبی نقش اساسی دارند.

شهریار چون سیمرغ در جایگاهی چندان فراتر از دیگر شاعر هم روزگارش جای گرفته است که تفوقش را به معاصر خود حتی بی چشم‌وچراغ هم می‌توان دریافت. بی‌گمان توفیق شهریار و اقبال کم مانند وی به اعتبار کیفیت و کمیت آثارش از نوادر تاریخ شعر ماست؛ زیرا ما در طول عمر پربرت استاد شهریار و در گستره خلاقیت عظیم او نه یک شاعر بزرگ، بلکه چند شاعر بزرگ را دوشادوش هم - می‌بینیم: پی‌گیرنده و پاس دارنده سنت‌های ادبی است.

شهریار از آغاز رویکرد به شعر و شاعری با آثار بزرگان شعر و ادب این سرزمین مأنوس و مألوف بود. این انس و الفت که در مواردی به شیفتگی مانندتر بود، در تکوین و تشکل شخصیت ادبی شاعر نقش بسزایی داشت. استاد شهریار با زبان و نگاه ویژه خود در انواع و قالب‌های مختلف شعر سنتی سخن‌پردازی کرده است. آثار او، در هر نوع و قالبی، هم از نظر قوت و کیفیت و هم از

روز بیست و هفتم شهریورماه، سالروز درگذشت شهریار، شاعر ایرانی، با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، روز ملی شعر و ادب پارسی، نامیده شده است. در فرهنگ ما، زندگی با شعر آغاز و با شعر بدرقه می‌شود. کودک در گاهواره، لالایی می‌شنود و از همان آغاز به شعر انس می‌گیرد و پس از مرگ نیز، آریه مزارش، شعری است که برایش می‌سرایند و چه‌بسا خود پیش از مرگ برای خویش شعری می‌سراید. این آمیختگی ما با شعر و تأثیری که شعر بر فرهنگ و روحیات و رفتار ما می‌گذارد، ضرورت پرداختن به آن و ضرورت پاسداری از حریم این عنصر اعجاز‌آفرین را بیشتر روشن می‌سازد.

زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان دومین زبان جهان اسلام و زبان حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی، با هزاران آثار گران‌سنگ در زمینه‌های مختلف ادبی، عرفانی، فلسفی، کلامی، تاریخی، هنری و مذهبی همواره موردتوجه و اعتقاد ایرانیان و مردمان سرزمین‌های دور و نزدیک بوده است. علیرغم حوادث و رویدادهای پر تب‌وتاب و گاه ناخوشایند، بازهم این زبان شیرین و دل‌نشین در دورترین نقاط جهان امروزه حضور و نفوذ دارد.



خیال و برداشت‌ها در قال سنتی و بسیاری جلوه‌های دیگر حاکی از طبع‌آزمایی‌ها در این زمینه و تجربه‌های متعدد اوست. قسمت عمده‌ای از دیوان شهریار غزل است. سادگی و عمومی بودن زبان و تعبیر یکی از موجبات رواج و شهرت شعر شهریار است.

شهریار با روح تأثیرپذیر و قریحه‌ی سرشار شاعرانه که دارد عواطف و تخیلات و اندیشه‌های خود را به زبان مردم به شعر بازگو کرده است. از این رو شعر او برای همگان مفهوم و مانوس و نیز مؤثر است.

شهریار در زمینه‌های گوناگون به شیوه‌های متنوع شعر گفته است. شعرهایی که در موضوعات وطنی و اجتماعی و تاریخی و مذهبی و وقایع عصری سروده، نیز کم نیست. تازگی مضمون، خیال، تعبیر، حتی در قالب شعر دیوان او را از بسیاری شاعران عصر متمایز کرده است. اغلب اشعار شهریار به مناسبت حال و مقال سروده شده و از این روست که شاعر همه‌جا در درآوردن لغات و تعبیرات روز و اصطلاحات معمول عامیانه امساک نمی‌کند و تنها وصف حال زمان است که شعر او را از اشعار گویندگان قدیم مجزا می‌کند.

شعری از دیوان گران‌مایه شهریار

پیرم و گاهی دلم یاد جوانی می‌کند
بلبل شوقم هوای نغمه‌خوانی می‌کند
همتم تا می‌رود ساز غزل گیرد به دست
طاقتم اظهار عجز و ناتوانی می‌کند
بلبلی در سینه می‌نالد هنوزم کائن چمن
با خزان هم آشتی و گل‌فشانی می‌کند
ما به داغ عشق بازی‌ها نشستیم و هنوز
چشم پروین همچنان چشمک پرانی می‌کند
نای ما خاموش ولی این زهره شیطان هنوز
با همان شور و نوا دارد شبانی می‌کند
گر زمین دود هوا گردد همانا، آسمان
با همین نخوت که دارد آسمانی می‌کند
سال‌ها شد رفته دمسازم ز دست اما هنوز
در درونم زنده است و زندگانی می‌کند
با همه نسیان تو گویی کز پی آزار من
خاطرم با خاطرات خود تبانی می‌کند
بی‌ثمر هر ساله در فکر بهارانم ولی
چون بهاران می‌رسد با من خزان می‌کند
طفل بودم دزدکی پیر و علیم ساختند
آنچه گردون می‌کند با ما نهانی می‌کند
می‌رسد قرنی به پایان و سپهر بایگان
دفتر دوران ما هم بایگانی می‌کند
«شهریارا» گو دل از ما مهربانان نشکنید
ورنه قاضی در قضا نامهربانی می‌کند

نظر کمیت درخور توجه است. استاد شهریار از سویی با استقبال و اقتضای آثار برخی شاعران متقدم؛ به‌ویژه خواجه شیراز توان و تبحر خود را در هم‌آوردی با ارکان شعر ایران به نمایش گذاشت است، از سوی دیگر تنها به انتقال مواریث و تجارب ادبی اسلاف خود اکتفا نکرده، بلکه در جریان تداوم سنت‌های ادبی، ذهنیت و نگرش نو دارد.

چنین ذهنیت و نگاهی، باعث تحولی شگرف در تاریخ بعضی از انواع شعر فارسی شده است. یکی از بزرگ‌ترین خدمات شهریار، ایجاد تحول در عرصه غزل فارسی است. جریان پویایی که امروزه با عنوان «غزل نو» به موازات شعر نو به حیات خود ادامه می‌دهد، درواقع با غزل‌های نوآیین استاد آغاز شده است. از همین رو، شهریار را می‌توان پس از دوره بازگشت و دوره مشروطیت که به اعتقاد بنده باید از ادوار رکورد و فتور تاریخ غزل شمرده شوند، احیاگر غزل فارسی و نیز پدر غزل نو دانست. رویکرد ویژه شهریار به غزل، باعث شد غزل دیگرپاره به‌عنوان پویاترین گونه شعر فارسی جایگاه خود را در اذهان و انظار بازابد.

* زندگی‌نامه شهریار

سید محمدحسین بهجت تبریزی (زاده ۱۱ دی ۱۲۸۵ - درگذشته ۲۷ شهریور ۱۳۶۷) متخلص به شهریار (پیش از آن بهجت تبریزی) شاعر ایرانی اهل تبریز بود که به زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی، شعر سروده است. وی در تبریز در خانواده‌ای بستان‌آبادی (روستای خوشگناب بستان‌آباد) به دنیا آمد و بنا به وصیتش در مقبره‌الشعراي تبریز به خاک سپرده شد. ۲۷ شهریور را به‌واسطه روز درگذشت او «روز شعر و ادب فارسی» نامیده‌اند. مهم‌ترین اثر شهریار منظومه حیدربابایه سلام؛ (سلام به حیدربابا)، است که از معروف‌ترین آثار ادبیات ترکی آذربایجانی به شمار می‌رود و شاعر در آن از اصالت و زیبایی‌های روستا یاد کرده است.

* سبک شعری شهریار

اصولاً شرح‌حال و خاطرات زندگی شهریار در خلال اشعارش خوانده می‌شود و هر نوع تفسیر و تعبیری که در آن اشعار بشود، به افسانه زندگی او نزدیک است.

عشق‌های عارفانه شهریار را می‌توان در خلال غزلهای انتظار، جمع و تنزی وحشی شکار؛ یوسف گمگشته مسافر همدان؛ حراج عشق؛ ساز صبا؛ و نای شبان و اشک مریم و مرغ بهشتی... و خیلی آثار دیگر مشاهده کرد.

محرومیت‌ها و ناکامی‌های شهریار در غزل‌های گوهرفروش ناکامی‌ها، جرس کاروان ناله روح؛ مثنوی شعر؛ حکمت؛ زفاف شاعر و سرنوشت عشق بیان شده است. خیلی از خاطرات تلخ و شیرین او در هذین دل: حیدربابا مومیای و افسانه شب به نظر می‌رسد.

در سراسر اشعار وی روحی حساس و شاعرانه موج می‌زند؛ که بر بال تخیلی پوینده و آفریننده در پرواز است؛ و شکر او در هر زمینه که باشد از این خصیصه بهره‌مند است.

و به تجدد و نوآوری گرایشی محسوس دارد. شعرهایی ک برای نیما و به یاد او سروده و دگرگونی‌هایی که در برخی از اشعار خود در قالب و طرز تعمیر و زبان شعر به خرج داده، حتی تفاوت صور



تازه‌های نشر

هزار واژه حمل و نقل (۳)

فاطمه کاوسی

که نیاز به اثبات داشته باشد؛ او با واژه‌گزینی زندگی می‌کرده و باید گفت «واژه‌گزینی» تجربه زیسته وی بوده است. تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی نیز مرهون زحمات او در ترجمه کلاسیک‌های این حوزه است. آرام با ترجمه متون مهمی در حوزه تاریخ علم (به‌طور کلی) و تاریخ علم در اسلام یکی از پیش‌گامان ترجمه در این حوزه بود و با کتاب‌هایی که منتشر ساخت — نزدیک به یک‌صد و بیست عنوان کتاب ریزودرشت از زبان‌های انگلیسی و فرانسه و عربی — در ترویج علم در ایران نیز سهمی بسزا ایفا کرد. کار بزرگ او را بهتر درک می‌کنیم اگر بدانیم که آرام زمانی این کار را آغاز کرد که نه مدارس زیادی در سراسر ایران تأسیس شده بود، نه کتاب‌های درسی در دسترس محصلان قرار داشت، نه امکانات چاپ و نشر به‌صورت امروزی وارد ایران شده بود، و نه واژگان تثبیت‌شده‌ای برای بیان مسائل علمی در زبان فارسی رواج یافته بود.

کتاب «احمد آرام» ادای احترامی است به شخصیت وارسته و دانشمند او. غلامعلی حدّاد عادل در این کتاب در پی آن بوده که بعضی از ابعاد شخصیت علمی و فرهنگی آرام را تشریح کند. کتاب به دو بخش کلی «سهم آرام در واژه‌گزینی در زبان فارسی» و «سهم آرام در تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی» تقسیم شده است. بنابراین، کتاب حاضر برای عموم علاقه‌مندان و به‌ویژه برای پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های تخصصی واژه‌گزینی و تاریخ علم خواندنی و نکته‌آموز است.

نویسنده سعی کرده است تا، در عین تأکید بر شخصیت محترم و

ریلی و حمل‌ونقل هوایی را که در طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ تصویب شده‌اند در برمی‌گیرد. کتاب هزار واژه حمل‌ونقل (۳)، از مجموعه هزار واژه‌های گروه واژه‌گزینی است که انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی آن را در ۲۷۷ صفحه و با شمارگان ۵۰۰ نسخه، به بهای ۶۰ هزار تومان منتشر کرده است.

احمد آرام و سهم او در واژه‌گزینی و تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی

احمد آرام (۱۲۸۳-۱۳۷۷)، مترجم پیش‌کسوت و عضو پیوسته فقیه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نزدیک به هفتاد و پنج سال از عمر نودوچهارساله خود را صرف تألیف و ترجمه کرد. او برای دستیابی به رشد و پیشرفت و سعادت در جامعه معتقد به «نشر علم» بود و نشر علم را مستلزم داشتن زبان علمی می‌دانست و باور داشت که زبان فارسی می‌تواند زبان علم شود. علاقه و اهتمام دائم آرام به واژه‌گزینی امری نیست

«هزار واژه» نام عمومی فرهنگ‌هایی تخصصی است که از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر می‌شود. ممارست طولانی در کار واژه‌گزینی که به یافتن و ساختن ده‌ها هزار واژه فارسی در برابر لغات و اصطلاحات بیگانه انجامیده است گروه واژه‌گزینی را قادر ساخته تا دفترهایی حاوی هزار واژه مصوّب در بعضی از رشته‌های علمی انتشار دهد.

در ده سال گذشته تدوین فرهنگ‌های تخصصی موضوعی گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با عنوان هزار واژه، با اقبال عمومی و اهل فن مواجه شده و فرهنگستان مفتخر است که در سال جاری نیز چهار هزار واژه به مجموعه هزار واژه‌های خود بیفزاید. مجموعه حاضر جلد سوم هزار واژه حمل‌ونقل است که واژه‌های کارگروه‌های واژه‌گزینی حمل‌ونقل درون‌شهری - جاده‌ای، حمل‌ونقل دریایی، حمل‌ونقل

مؤثر احمد آرام، ستایشگر محض و مطلق او نباشد و درعین حال که نقش و تأثیر او را در واژه‌گزینی و سه‌همش را در سنت نوپای تاریخ علم در ایران بیان می‌کند، از نقد منصفانه دیدگاه‌های او، به‌ویژه در واژه‌گزینی و دستور خط، خودداری نکرده است.

کتاب احمد آرام و سه‌هم او در واژه‌گزینی و تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی، نوشته دکتر غلامعلی حداد عادل است که انتشارات هرمس آن را در ۲۳۵ صفحه و با شمارگان ۵۰۰ نسخه، به بهای ۸۰ هزار تومان منتشر کرده است.

خبرنامه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی - شماره ۸۳

هشتاد و سومین شماره خبرنامه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان (تیر ۱۴۰۰) منتشر شد. فهرست مندرجات این شماره از خبرنامه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی بدین شرح است: سخن نخست: ملاحظات درباره انتخاب متون در کتاب‌های درسی فارسی (دکتر علی شیوا)؛ آسیب‌شناسی آموزش تاریخ ادبیات در دوره متوسطه دوم (دکتر علی‌اصغر بشیری)؛ کاربرد مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۲)؛ کاربرد جدید واژه «زیرآب» (محمود ظریف)؛ امضای تفاهم‌نامه همکاری با مرکز تحقیقات رایانه‌ای علوم اسلامی (نور)؛ نام استاد هوشنگ مرادی کرمانی بر معابر تهران؛ رونمایی سردیس و پلاک‌کوبی خیابان دکتر بدرالزمان قریب در منطقه ۹؛ نام دکتر ژاله آموزگار بر یکی از معابر تهران؛ مؤلف برتر جشنواره معلمان کشور؛ معرفی کتاب درسی خارجی: Dictionnaire (۱۹۶۰) fondamental de la langue

Francaise (محدثه طاهری)؛ روزشمار رویدادهای ادبی تیر ۱۴۰۰ (آذین شهریاری‌فرد)؛ سخن پایانی: شعر «صد بند تاگور» (رابیندرانات تاگور).

ایران‌شناسی و ایران‌شناسان

گروه دانشنامه تحقیقات ادبی، پس از به پایان رساندن تألیف دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی و مدیریت زنده‌یاد استاد اسماعیل سعادت، عضو پیوسته فقیه فرهنگستان، در دو نسخه ۷ و ۱۲ جلدی، در حال سامان دادن به مجموعه‌های تخصصی مندرج در دانشنامه است. از جمله این موضوعات است: انواع ادبیات و سبک‌های ادبی، ادبیات معاصر، ایران‌شناسان، ادبیات ایران پیش از اسلام، مداخل مربوط به حوزه بلاغت و فنون و آرایه‌های ادبی، دستور زبان فارسی، کتاب‌های تاریخی و تذکره‌های فارسی، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، اعلام قرآنی و دینی، نویسندگان و شاعران پارسی‌گوی، اهم کتاب‌های نظم و نثر فارسی، جای‌های تاریخی و افسانه‌ای، فرهنگ‌ها.

مجموعه حاضر گزیده دیگری از مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی است در صدویازده مقاله، شامل مهم‌ترین اطلاعات مربوط به ایران‌شناسانی که سال‌ها در زمینه‌های متنوع فرهنگ، تمدن، تاریخ و زبان و ادبیات ایران زمین مطالعه، تحقیق، تحصیل و تدریس کرده‌اند. حاصل این پژوهش‌ها آثار مهمی است که در بسیاری از موارد، به‌عنوان منابع معتبر و دست اول، در دانشگاه‌های ایران معرفی و تدریس می‌شوند.

در مقاله «ایران‌شناسی»، با توجه به مفاهیم ارائه شده در باب ایران‌شناسی خارجی و داخلی، به

تعریفی از ایران‌شناسی پرداخته شده است و آن را از تعاریف غیرعلمی، که بر جلوه‌های سیاحتی و زیارتی یا جاذبه‌های گردشگری ایران تأکید می‌کند، متمایز کرده و آن را چنین تعریف کرده است: ایران‌شناسی عبارت است از مطالعه و تحقیق در کلیه جنبه‌ها و مظاهر تمدنی ایرانی و شناساندن این تمدن به جهان. مجموعه دستاوردهای ایران‌شناسی نشان می‌دهد که این علم شامل بررسی تمدن ایران باستان و، به‌موازات آن، در تمدن عصر اسلامی و تأثیر تمدن ایران باستان در ادبیات فارسی دوره اسلامی است. پیوند این دو دوره تاریخی سبب شد که ایران‌شناسان در تحقیقاتشان به تمام جوانب تمدن ایران بپردازند.

مجموعه ایران‌شناسی و ایران‌شناسان، برگزیده‌ای از مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی است که به کوشش سمیه پهلوان، پژوهشگر گروه دانشنامه تحقیقات ادبی، گردآوری شده و فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با همکاری انتشارات سخن، آن را در ۹۶۸ صفحه و با شمارگان ۷۰۰ نسخه، به بهای ۱۶۵ هزار تومان منتشر کرده است.

انواع ادبیات و سبک‌های ادبی فارسی

گروه دانشنامه تحقیقات ادبی، پس از به پایان رساندن تألیف دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی و مدیریت زنده‌یاد استاد اسماعیل سعادت، عضو پیوسته فقیه فرهنگستان، در دو نسخه ۷ و ۱۲ جلدی، در حال سامان دادن به مجموعه‌های تخصصی مندرج در دانشنامه است. از جمله این موضوعات است: انواع ادبیات و

سبک‌های ادبی، ادبیات معاصر، ایران‌شناسان، ادبیات ایران پیش از اسلام، مداخل مربوط به حوزه بلاغت و فنون و آرایه‌های ادبی، دستور زبان فارسی، کتاب‌های تاریخی و تذکره‌های فارسی، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، اعلام قرآنی و دینی، نویسندگان و شاعران پارسی‌گوی، اهم کتاب‌های نظم و نثر فارسی، جای‌های تاریخی و افسانه‌ای، فرهنگ‌ها.

مجموعه حاضر که تحت عنوان انواع ادبیات و سبک‌های ادبی فارسی منتشر شده، شامل نوزده مقاله از مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی است که موضوعات آن‌ها درباره انواع ادبیات و سبک‌های ادبی فارسی است.

فهرست مقالات مندرج در این مجموعه عبارت است از: ادبیات انقلاب اسلامی، ادبیات ایران پیش از اسلام، ادبیات تطبیقی، ادبیات داستانی، ادبیات عامیانه، ادبیات عرفانی، ادبیات غنایی، ادبیات فارسی، ادبیات کودک و نوجوان، ادبیات مشروطه، ادبیات معاصر ایران، ادبیات نمایشی، بازگشت ادبی، سبک، سبک خراسانی، سبک عراقی، سبک نثر فارسی، سبک هندی. فهرست نام‌ها و کتاب‌ها و جای‌ها بخش پایانی این مجموعه را تشکیل می‌دهد. مجموعه انواع ادبیات و سبک‌های ادبی فارسی، برگزیده‌ای از مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی است که به کوشش سمیه ربیعی، پژوهشگر گروه دانشنامه تحقیقات ادبی، گردآوری شده و فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با همکاری انتشارات سخن، آن را در ۵۲۲ صفحه و با شمارگان ۷۰۰ نسخه، به بهای ۱۱۰ هزار تومان منتشر کرده است.

پنج شاعر بزرگ ایران

گروه دانشنامه تحقیقات ادبی، پس از به پایان رساندن تألیف دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی و مدیریت زنده‌یاد استاد اسماعیل سعادت، عضو پیوسته فقیه فرهنگستان، در دو نسخه ۷ و ۱۲ جلدی، در حال سامان دادن به مجموعه‌های تخصصی مندرج در دانشنامه است. از جمله این موضوعات است: انواع ادبیات و سبک‌های ادبی، ادبیات معاصر، ایران‌شناسان، ادبیات ایران پیش از اسلام، مداخل مربوط به حوزه بلاغت و فنون و آرایه‌های ادبی، دستور زبان فارسی، کتاب‌های تاریخی و تذکره‌های فارسی، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، اعلام قرآنی و دینی، نویسندگان و شاعران پارسی‌گوی، اهم کتاب‌های نظم و نثر فارسی، جای‌های تاریخی و افسانه‌ای، فرهنگ‌ها.

مجموعه حاضر که تحت عنوان پنج شاعر بزرگ ایران منتشر شده، شامل مقالاتی است درباره زندگی و آثار پنج شاعر بزرگ ادب فارسی، فردوسی، سعدی، نظامی، مولوی و حافظ، که پیش از این در مجلدات دانشنامه زبان و ادب فارسی منتشر شده بود.

فهرست مقالات مندرج در این مجموعه عبارت است از: فردوسی، شاهنامه فردوسی، سعدی، بوستان سعدی، گلستان سعدی، مجالس سعدی، نظامی گنجوی، خمسه نظامی، خسرو و شیرین، جلال‌الدین بلخی، مثنوی معنوی، کلیات شمس، فیه‌مافیه، مکتوبات، مجالس سبعة، حافظ. فهرست نام‌ها و کتاب‌ها و جای‌ها بخش پایانی این مجموعه را تشکیل می‌دهند.

مجموعه پنج شاعر بزرگ ایران، برگزیده‌ای از مقالات دانشنامه

زبان و ادب فارسی است که به کوشش مژگان گله‌داری، پژوهشگر گروه دانشنامه تحقیقات ادبی، گردآوری شده و فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با همکاری انتشارات سخن، آن را در ۸۴۳ صفحه و با شمارگان ۷۰۰ نسخه، به بهای ۱۵۰ هزار تومان منتشر کرده است.

فارسی باستان، کتیبه‌ها، واژه‌نامه

زبان فارسی باستان یکی از زبان‌های باستانی ایران است که در دوران سلطنت شاهان هخامنشی، دست‌کم از نیمه دوم هزاره اول پیش از میلاد تا زمان برافتادن آنان در نیمه قرن چهارم پیش از میلاد، در ناحیه جنوب غربی ایران رواج داشته است و زبان رسمی دربار هخامنشیان به شمار می‌رفته است. از فارسی باستان، که شباهت زیادی به زبان اوستایی دارد، آثار مکتوب نسبتاً فراوانی، به‌ویژه از عهد داریوش اول و خشایارشا، بر جای مانده است. این آثار که اصطلاحاً کتیبه خوانده می‌شوند، در دل کوه، روی الواح سنگی و گلی و به خط میخی فارسی باستان کتابت و اغلب در نواحی فارس، خوزستان و ماد باستان و نیز در بابل و مصر یافته شده‌اند.

کتیبه‌های فارسی باستان را باید کهن‌ترین آثار مکتوب به زبان‌های ایرانی به شمار آورد که شواهد تاریخی و زبانی آن‌ها بدون دستکاری و تحریف، پس از نزدیک به ۲۵۰۰ سال، عیناً به دست ما رسیده است.

دانشمندان اروپایی در رمزگشایی از خط میخی به‌کاررفته در کتیبه‌های فارسی باستان و تحقیق درباره زبان این کتیبه‌ها پیش‌گام بوده‌اند. از اوایل قرن نوزدهم میلادی که نخستین نشانه‌های خط میخی خوانده شد

تا کنون، محققان اروپایی صدها کتاب و مقاله علمی درباره فارسی باستان و آثار به جامانده از آن، به زبان‌های مختلف اروپایی تألیف و منتشر کرده‌اند که بعضاً تصحیح و تکمیل تحقیقات پیشین است. از آنجاکه پژوهش‌های بنیادی درباره زبان فارسی باستان و آثار به جامانده از آن (حتی در حوزه فقه‌اللغه ایرانی) به زبان‌های خارجی بوده است و دسترسی به این پژوهش‌ها و یا بهره‌گیری از آن‌ها برای پژوهشگران و مشتاقان به مباحث تاریخی زبان فارسی احياناً میسر نمی‌گشت، بایسته بود نتایج تحقیقات در این باره گردآوری و به زبان فارسی تدوین گردد و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد. برای دستیابی به این مقصود، شادروان استاد دکتر بهمن سرکاراتی، مدیر وقت گروه زبان‌های ایرانی فرهنگستان، طرحی را با عنوان «زبان فارسی و آثار با مانده از آن» به فرهنگستان زبان و ادب فارسی پیشنهاد کرد که در شورای فرهنگستان نیز پذیرفته شد.

مقدمات اجرای این طرح از سال ۱۳۷۳ آغاز شد، اما پس از جدایی آن مدیر فقید از فرهنگستان، اجرای این طرح چند سال مسکوات ماند تا آنکه سرانجام در زمان مدیریت استاد دکتر محمدتقی راشد محصل، اجرای این طرح بار دیگر در دستور کار قرار گرفت.

به گفته مؤلف کتاب، دکتر محمد حسن دوست، از آنجاکه بیست سال از گردآوری منابع و اطلاعات مربوط به طرح مذکور می‌گذشت و مواد گردآمده در آن زمان به منزله کار دانشجویی بود، وی بر آن شد که بار دیگر از نو، برای تدوین طرح به جمع‌آوری و تکمیل مواد و اطلاعات پردازد. کتاب حاضر را در واقع باید بخشی از طرح جامع «زبان

فارسی باستان و آثار با مانده از آن» به شمار آورد؛ چراکه در این کتاب، اساساً به تاریخچه خواندن خط میخی و کتیبه‌های فارسی باستان، معرفی کتیبه‌های شاهان هخامنشی، حرف‌نویسی، واج‌نویسی و ترجمه فارسی کتیبه‌های فارسی باستان و تدوین واژه‌نامه‌ای نسبتاً مفصل پرداخته شده و به مسائل زبانی فارسی باستان، نظیر واج‌شناسی، دستور تاریخی و نحو زبان اشاره‌ای نشده است.

کتاب حاضر، به جز پیشگفتار، فهرست نشانه‌های به کاررفته در متن و ترجمه فارسی کتیبه‌ها، نشانه‌های دستوری، فهرست اجمالی کتیبه‌های فارسی باستان، و فهرست اختصارات و منابع، شامل ۶ بخش است که عبارت‌اند از: تاریخچه خواندن خط میخی و کتیبه‌های فارسی باستان؛ خط میخی فارسی باستان؛ شناسنامه کتیبه‌های شاهان هخامنشی؛ متن و ترجمه فارسی کتیبه‌های فارسی باستان؛ واژه‌نامه کتیبه‌های فارسی باستان؛ و فهرست‌ها (فهرست بسامدی لغات کتیبه‌ها، فهرست بسامدی اعداد کتیبه‌ها، فهرست حالت‌های دستوری لغات، فهرست صیغه‌های افعال، فهرست حرف‌نوشت لغات).

کتاب فارسی باستان، کتیبه‌ها، واژه‌نامه، نوشته دکتر محمد حسن دوست، مدیر گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان است که انتشارت فرهنگستان

آن را در ۵۴۳

صفحه و با

شمارگان ۵۰۰

نسخه، به بهای

۱۵۰ هزار تومان

منتشر کرده است.

منبع: فرهنگستان زبان و

ادبیات فارسی





حرمسرای قذافی

کتابیون گودرزی

مبروکه، همان زنی که چند خط بالاتر ذکرش رفت همواره در کتاب حضور داشته، گاه به‌طور مستقیم و گاه در سایه، مسلماً به چنین شخصیتی می‌بایست خیلی بیشتر پرداخته می‌شد، درحالی‌که شخصیت پیچیده و مرموز مبروکه به زنی درشت‌اندام که مثل روایات تنها دستور می‌دهد و از پرستندگان قائد اعظم هست فرو می‌کاهد. ما از مبروکه هیچ نمی‌دانیم، گو اینکه وی زاده شده است تا فقط لوازم عیش رئیس و مراد خود را فراهم کند. جدای از این، ذکر مواردی بدون دلیل و مدرک چون استفاده از جادو از طرف مبروکه در خدمت و یا بر ضد قذافی، تنها از ارزش‌های کتاب کم می‌کند.

برای خواننده‌ی ریزه بین، روح خودبزرگ‌بینی که از سوی نویسنده‌ی اروپایی و پاریس نشین در بسیاری از جاهای کتاب خودنمایی می‌کند، می‌تواند برای خوانندگان موسوم به جهان سوم آزاردهنده باشد. از یورش غرب به سرکردگی ناتو به لیبی و بمباران‌های گسترده این کشور همواره به‌عنوان فرشته نجاتی یادشده که مردم مصیبت‌دیده و دست‌وپا بسته لیبی را از شر غول بی‌شاخ و دمی به نام قذافی نجات داده است، حال آنکه کمی بعد از این حمله شاهد نتایج فاجعه بارش بوده‌ایم. در نگاه نویسنده محیط عقب‌مانده و بدوی لیبی در تقابل با بهشت غرب و به‌ویژه فرانسه هیچ حرفی برای گفتن ندارد، نه در فرهنگ، نه هنر و نه هیچ‌چیز دیگری، شاید بتوان توضیح نویسنده را در مورد اینکه نمی‌خواسته از لیبی بنویسد توجیهی بر این واقعیت دانست ولی نقاط ابهامی در روایت کتاب وجود دارد که بر این تردیدها مهر تأیید می‌زند. یکی از نقاط ابهام نپرداختن به چرایی بازگشت خانواده ثریا به لیبی است، علی‌رغم آنکه به‌راحتی می‌توانستند به دیگر کشورها سفر داشته باشند.

به‌طور کل می‌توانم بگویم که خواندن این کتاب خالی از لطف نیست، البته نه به جهت یادگیری تاریخ معاصر لیبی و یا دلایل انقلاب، همین‌طور نه به جهت دانستن از معمر قذافی، بلکه تنها برای آنکه بدانیم «روزی روزگاری این‌گونه هم بوده!»

از مواردی که می‌توانم به‌عنوان نقاط ضعف این کتاب نام ببرم کمبود مدارک مستند برای خواننده‌ی سخت‌گیری است که به‌راحتی نمی‌تواند هر مطلبی را باور کند. درواقع مصاحبه با تنی چند از افراد که به‌جز مواردی در بقیه تنها از شنیده‌های خویش می‌گویند نمی‌تواند برای خواننده سمج قابل‌پذیرش باشد. کما اینکه گاه برای خود نویسنده هم این ضعف جلوه‌گر شده و وی می‌خواهد با توجیهاتی همچون شرایط آن زمان، فرهنگ عامه و عرف جامعه لیبی به این نقطه ضعف واکنش نشان دهد.

نکته‌ی دیگری که در این رابطه می‌توان ذکر کرد نپرداختن به شخصیت معمر قذافی (به قول کتاب بابا معمر!) به‌عنوان یکی از شخصیت‌های اصلی و همواره حاضر در کتاب است. ما از پس‌زمینه‌ی زندگی قذافی هیچ نمی‌دانیم، از کودکی، محیط زندگی و رشد وی. تنها در انتهای کتاب به نقل از یکی از فرماندهان انقلابی می‌فهمیم که رفتار سبوعانه و انحرافات اخلاقی و جنسی قائد اعظم نشئت‌گرفته از عقده‌های به‌جای مانده از محرومیت‌های دوران کودکی وی می‌باشد؛ و باز خالی بودن جزئیاتی که به شناخت مخاطب از شخصیت قذافی منجر شود حس می‌شود، حتی گفتن به دنیا آمدن زیر چادر و خوردن شیر شتر هم نمی‌تواند این خلأ را پر کند. از میان‌سال‌ی و راه رفته‌ی وی برای کودتا هم هیچ نمی‌دانیم، چندان نباید دل‌خوش بود، زیرا از بزرگ‌سال‌ی وی هم تنها به خوردن سیر، آب هندوانه و بیسکویت تیلیت شده در شیر شتر بسنده شده!

از دیگر نقاط ضعف این کتاب می‌توان به ایجاد شخصیتی اغراق گونه از قذافی نام برد. به قول اهالی سینما ما شاهد شخصیتی اگرچر از وی هستیم طوری که گاه بیان تکراری انحرافات اخلاقی و ستم‌های قذافی برای خواننده عادی جلوه می‌کند. نویسنده برای روایت داستان‌ش هم خواسته از چارچوب روزنامه‌نگاری تحقیقی فراتر نرود و هم به دلیل ضعف در مستندات و همین‌طور پرفروش شدن کتاب برای عوام تنه‌ای هم به داستان‌نویسی زده که در هردو مورد نتوانسته آن‌طور که باید حق مطلب را ادا کند.



دانشگاه کلمبیا

COLUMBIA UNIVERSITY



فاهمه کاوسی

Arts Library است که بالغ بر ۴۰۰۰۰۰ جلد کتاب دارد که در آمریکا بزرگ‌ترین منبع این مبحث به حساب می‌آید. دانشگاه کلمبیا در یک قاب
 Universitas Columbiae : شعار
 Neo Eboracensis

در پرتو نور تو نور را خواهیم یافت.
 اسامی پیشین : King's College
 (۱۷۵۴-۱۷۸۴)

Columbia College
 (۱۸۱۳-۱۷۸۳)

سال تأسیس : ۱۷۵۴
 نوع دانشگاه : خصوصی
 شهر : نیویورک سیتی

است از مشاهیر این دانشگاه به حساب می‌آیند. و در حال حاضر سه سناتور از سناتورهای آمریکا نیز از اعضای دانشگاه کلمبیا هستند. با آمار ۸۲ نوبلی است دانشگاه کلمبیا در صدر فهرست تمام مؤسسات آموزشی در جهان در این حوزه است.

جایزه پولیتزر که معتبرترین جایزه روزنامه‌نگاری در ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود، هرساله با نظارت دانشگاه کلمبیا به روزنامه‌نگاران و نیز نویسندگان، شاعران و موسیقی‌دانان برجسته اهدا می‌شود. کتابخانه این دانشگاه شامل بیش از ۹ میلیون جلد کتاب است. یکی از نکات این کتابخانه بخش Avery Architectural and Fine

از معتبرین دانشگاه‌های آمریکا و جهان به شمار می‌آید. دانشگاه کلمبیا با ۲۵۰ سال قدمت، قدیمی‌ترین دانشگاه نیویورک است. این دانشگاه در نیویورک سیتی و در ایالت نیویورک امریکا واقع است. به علاوه این دانشگاه پنجمین دانشگاه قدیمی امریکا نیز هست. این دانشگاه امروزه بیش از ۲۷۰۰۰ دانشجو دارد. دانشگاه کلمبیا به لحاظ تحقیقاتی بسیار حائز اهمیت است. این دانشگاه جایگاه پیدایش بسیاری اختراعات مهم شامل لیزر، رادیو اف.ام، پروتئین فلورسانت، ال سی دی، ال ای دی و بسیاری اختراعات مهم پزشکی است. از افتخارات این دانشگاه می‌توان به کسب ۸۲ جایزه نوبل اشاره نمود. به طور کلی ۸۲ نوبلی

دانشکده‌ها و بخش‌ها

- دانشکده پزشکی
- دانشکده حقوق
- دانشکده مهندسی و علوم کاربردی
- دانشکده معماری و نقشه‌کشی
- دانشکده خبرنگاری
- دانشکده دندانپزشکی
- دانشکده پرستاری
- دانشکده ارشد هنر و کسب‌وکار
- دانشکده تربیت معلم
- دانشکده مشاغل اجتماعی
- دانشکده کسب‌وکار
- دانشکده علوم بهداشت
- دانشکده امور بین‌الملل
- دانشکده هنر

رشته‌های ارشد و دکترای دانشگاه

(أ) مطالعات آفریقایی-آمریکایی

(ب) مطالعات آمریکا

(ت) مردم‌شناسی

(ث) تاریخ هنر و باستان‌شناسی

(ج) انفورماتیک پزشکی بیوتکنولوژی

(ح) مطالعات کلاسیک

- (خ) هواشناسی و جامعه‌شناسی
- (د) علوم دندانپزشکی
- (ذ) روزنامه‌نگاری محیط‌زیست
- (ر) زبان و فرهنگ شرق آسیا
- (ز) محیط‌زیست
- (س) اقتصاد
- (ش) زبان انگلیسی
- (ص) زبان آلمانی
- (ض) مطالعات جهانی فرانسه
- (ط) اندیشه جهانی
- (ظ) مطالعات حقوق بشر
- (ع) مطالعات اسلامی
- (غ) ریاضیات مالی
- (ف) هنر مدرن
- (ق) مبانی فلسفی
- (ک) فیزیک
- (ل) فلسفه
- (م) علوم سیاسی
- (ن) آمار





مصاحبه با دبیر زبان و ادبیات فارسی

(دانش آموختگان دانشگاه فرهنگیان)
از تجارب ایشان و سوالات پرسیده



سرکار خانم زهرا لشنی زند

سلام و عرض ادب؛ لطفاً خودتان را معرفی بفرمائید.

من زهرا لشنی زند هستم دبیر ادبیات فارسی در شهرستان دورود از استان لرستان ۲۳ سال سابقه آموزشی دارم کارشناسی را در دانشگاه شهید چمران اهواز به پایان رساندم و کارشناسی ارشد را از دانشگاه بوعلی همدان و در حال حاضر دانشجوی دکتری در دانشگاه لرستان می باشم.

چرا این رشته را انتخاب نمودید؟ دلیل انتخابتون رو میفرمایین؟

علاقه زیادی که دبیران ادبیات دوره دبیرستان در من ایجاد کردند باعث شد که همه اولویتهای ممکن در انتخاب رشته را، رشته ادبیات قرار بدهم.

چه موانع مشکلاتی در دوران تدریس داشتید و چگونه با آنها کنار آمدید؟

در دوران تدریس من، سه بار، نظام آموزشی تغییر کرد اولین بار که در سالهای ابتدایی تدریس من بود. در یکی از مناطق محروم مشغول به تدریس شدم. در آنجا دو نظام آموزشی قدیم و جدید همزمان وجود داشت نظام قدیم همان شیوه ای بود که خودم در دبیرستان آموخته بودم و تصور آن را در ذهن داشتم و در دانشگاه با آن آموزش دیده بودم بنابراین به راحتی به تدریس آن پرداختم اما در همان حال نظام جدید هم در آن مدرسه وجود داشت و باید همزمان تدریس می کردم در کتب نظام جدید زبان شناسی، به طور برجسته ای باید تدریس می شد که سابقه آشنایی کاملی از آن نداشتم هیچ گونه آموزش ضمن خدمت نیز برای آن وجود نداشت در آن زمان که مصادف با سال تحصیلی ۷۶-۷۷ بود دسترسی به اینترنت وجود نداشت و تنها راه بدست آوردن اطلاعات و علوم مراجعه به کتب بود با دشواری به مطالب دست می یافتیم و خود را برای تدریس آماده می کردم تا ساعت ها باید تلاش می کردم تا روز بعد به راحتی از عهده تدریس بایم.

دستور زبان را به دو شیوه ساختاری و مفهومی همزمان تدریس می کردم متون ادبی تنها دلخوشی ما بود که در هر دو نظام به راحتی تدریس می شد اما باز هم پای دستور و زبان شناسی که به میان می آمد متون ادبی هم باید با وسواس بیشتری بررسی می شد گاهی بعد از تدریس متوجه می شدم که نکته ای را که باید بر اساس دستور ساختاری بیان کنم بر اساس مفهوم به دانش آموز القا کرده ام این مشکل گاهی به یاری دانش آموزان درس خوان و با دقت، گوشزد می شد و گاهی با بررسی مجدد با آن پی می بردم این امر ممکن بود آشفتنی در روح و روان و احساس ما ایجاد کند اما اکنون که به آن دوران می اندیشم احساس می کنم که نیروی جوانی و شادابی و صبر و تحمل - که اکنون در جوانان کمتر دیده می شود - آرامشی خاص در برخورد با آن را به ما عطا می کرد به عنوان مثال بحث جامد و مشتق در دستور زبان قدیم که با آن آشنا بودم و از ریشه فعلی گرفته می شد با جامد و مشتق که در کتب جدید باید تدریس می کردم کاملاً متفاوت بود که به طور همزمان در یک مدرسه هر دو شیوه را آموزش می دادم از طرفی کتب جدید خالی از اشکال علمی نبود با مطالعه و بررسی به این اشکالات پی می بردم؛ از آنجایی که باید این کتب را تدریس می کردم چاره ای جز آموزش مطالب غلط کتاب نداشتند اما یاد می آید همیشه به دانش آموزان گوشزد می کردم که اگرچه کتاب شما این مطلب را اینگونه بیان کرده است اما در ست آن چیز دیگری است.

رفع اشکالات کتاب از سوی مولفان تا چند سال طول کشید و بعد از اینکه اشکالات کتاب به حداقل رسید باز متن کتابها تغییر کرد و روز از نو و روزی از نو اکنون در این چند سال اخیر هم باز کتب تغییرات پی در پی داشته اند به طوری که جزوهای که برای دانش آموزان تهیه کرده ام و تمریناتی در آن قرار داده ام چندین بار مجبور به تغییر آن شده ام

چند تجربه از تجارب ارزنده دوران تدریس خود را ذکر کنید ؟

یکی از تجربه هایی که به نظرم بسیار ارزنده بود تعامل با دانش آموزان بود من در مقطع دبیرستان قول امروز دوره دوم تدریس می کردم دانش آموزان نوجوان و معرور بودند و هیچ گونه به قول خودشان زورگویی و فشار را بر نمی تافتند اگر کمی به آنها فشار می آوردیم ممکن بود که طغیان کنند اما به دلیل روح پاکشان که هنوز به نیرنگ و ریا آمیخته نشده بود فقط کافی بود که با آنها مثل یک انسان بزرگ و کامل رفتار کنی در مقابل بهترین و شیرین ترین برخوردها را از خود به نمایش می گذاشتند گاهی دانش آموزان یک کلاس از سوی دیگر دبیران شلوغترین و سرکش ترین دانش آموزان بودند ولی با رفتار دوستانه به بهترین کلاس تبدیل می شدند در یک مدرسه دو کلاس را مورد مقایسه قرار دادم با یکی دوستانه رفتار کردم و با دیگری آمرانه و نتیجه چیزی جز لذت بخش بودن کلاس اول و خشکی کلاس دوم نبود پس از آن تعامل و دوستی را در کنار جدیت و تدریس خوب ترفندی برای کنترل بهتر کلاس شد و حس احترام را در دانش آموزان نسبت به خودشان و به دبیر برانگیختم.

چه صحبتی با دبیران و مسئولین آموزش و پرورش دارید ؟

فکر می کنم جواب این سوال را در سخنان قبلی بیان کردم اما به طور خلاصه و کوتاه تکرار می کنم اول دبیران گرامی نکته ای که هیچگاه نباید از نظر دور داشته باشند؛ مطالعه مطالب و به روز بودن علمی و نشان دادن توانایی خود در تدریس است و علم مورد تدریس خود را هر روز مستحکم تر و قوی تر کنند زیرا دانش آموزان در همان جلسه اول معلم را از این نظر ارزیابی می کنند و بنای تعامل با تدبیر را بر این اساس می گذارند و نیز جدی بودن در تدریس و نرمی در رفتار با دانش آموزان به قول سعدی
درشتی و نرمی به هم در به است
چو فاصد که جراح و مرهم نه است
درشتی نگیرد خردمند پیش
نه سستی که ناقص کند قدر خویش
دوم مسئولان ، داد از مسئولان

فقط یک نکته و یک خاطره تلخ را بیان می کنم تا عمق فاجعه را نشان بدهم این خاطره زیاد دور نیست برمی گردد به سال تحصیلی ۹۷-۹۸ جلوی کلاس ایستاده بودم و مشغول تدریس از عمق جان. مثالی گفتم که واژه معلم در آن بود برای رفع خشکی کلاس گفتم مثل عده ای از شما که دوست دارید معلم شوید و به دانش آموزان نگاه کردم تا واکنش آنها را ببینم و متأسفانه یکی از دانش آموزان در حالی که به من اشاره می کرد گفت معلمی هیچ ارزشی در جامعه ما ندارد من دوست ندارم معلم بشوم آن رو ز قلبم شکست به این فکر می کردم که چه کسانی این جایگاه بی ارزش را برای من معلم با این همه شوق و انگیزه ساخته اند ؟ درد دل بسیار است و گوش شنوا کم امیدوارم که آموزش در حال نابودی کشورم به یاری مسئولین دلسوز نجات یابد اما اینجا با تمام دل خود می گویم نیست یک دم شکند خواب به چشم کس و لیک ، غم این خفته چند، خواب در چشم ترم میشکند در جگر خالی از ره این سفرم می شکند نازک آرای تن ساق گلی که به جانش کشتم و به جان دادمش آب ای دریغا، به برم می شکند

شما در تدریس خود از چه روش ها و شیوه هایی استفاده می کنید که تفاوت ایجاد می کند؟

روش تدریس دو شاخه دارد
۱- در همه کلاس ها و تدریس ها مشترک است و باید رعایت شود
۲- منحصر به فرد است و از ابتکار و خلاقیت فردی سرچشمه می گیرد .
و اما مسائلی که در همه کلاس ها مشترک است؛ داشتن طرح و برنامه ای برای تدریس، زمانبندی ، مشارکت دانش آموزان در تدریس و ارزشیابی یابی است و آنچه که از یک دبیر به دبیر دیگر متفاوت است؛ ابتکار و خلاقیت دبیران در تدریس هر یک است آنچه که هر معلم باید مدنظر داشته و من به آن توجه کردم شناخت موقعیت بود .
در رشته ادبیات بحثی به نام بلاغت وجود دارد ؛بلاغت یعنی سخن گفتن با توجه به موقعیت و شرایط شنونده در مقطعی که من تدریس می کنم دانش آموز در موقعیت حساس آمادگی برای کنکور قرار گرفته است و هر تدریسی که بتواند او را به بهترین شکل به این موقعیت نزدیک کند برای او جذاب خواهد شد تسلط بر مفاهیم و مواردی که در کنکور هر درس اهمیت

دارد یکی از اهرم‌های ایجاد انگیزه در دانش آموزان است. این امر را من به خوبی دریافته بودم و به قول معروف رگ خواب بچه‌ها را در دست داشتم اما مورد دوم که به نظرم بسیار مهمتر است این است که به دانش آموز بفهمانیم که سرنوشت او برای ما مهم است به او اجازه دهی هرگاه به مشکلی، چه درسی و چه غیردرسی برخورد می‌کند می‌تواند با تو در میان بگذارد دلسوزی ات را به او نشان بدهی در زمینه انتخاب رشته و اولویت‌های کنکور و مسائلی از این دست خود را توانا کنی ممکن است کمی اذیت شوی ولی برجستگی در میان دیگر دبیران و مورد توجه دانش آموزان قرار گرفتن، هزینه‌ای دارد و هزینه صرف کمی وقت و بالا بردن دانش درسی و اجتماعی است من همیشه آخرین اخبار کنکور و امتحانات نهایی را دنبال می‌کنم با دانش آموزان در لابلای تدریس از نهایی و کنکور می‌گویم و از اینکه چگونه می‌توانند موفق شوند گاهی سوالی نهایی و تستی از کنکور را در لابلای تدریس بیان می‌کنم و خود به خود دانش آموز را به دنبال خود می‌کشانم و این یعنی موفقیت در امر تدریس.

بنظر شما یک معلم خوب دارای چه ویژگی‌هایی است و به چه ظرافتهایی توجه دارد؟

ظرافت‌ها بسیار است اولین قدم شناخت دانش آموزان و موقعیت زمانی و مکانی آنهاست و پیشینه دانش آموز بسیار مهم است ایجاد صمیمیت در کلاس دبیر هم بسیار مهم است. باید در چند جلسه اول دانش آموزان را با نام و نام خانوادگی به ذهن بسپاریم گاهی با نام و گاهی با نام خانوادگی آنها را مورد خطاب قرار دهیم آنها را در تدریس مشارکت دهیم گاهی ایراد و اشکالی که از تدریس معلم می‌گیرند را بپذیریم و با او همراه شویم تا به یک نقطه اشتراک برسیم مثلاً اگر دانش آموزی از جمله معلم ایراد گرفت برخورد قه‌ری نه تنها سودی نخواهد داشت بلکه اعتماد به نفس و نیز اعتماد دانش آموز به دبیر را از بین خواهد برد از برخوردهای کلیشه‌ای مثل اینکه می‌دانستم فقط می‌خواستم ببینم چقدر حواستون جمع است فقط موجب سست شدن ارتباط می‌شود گاهی باید اشتباه خود را پذیرفت و عذرخواهی کرد اما نه همیشه که اعتماد علمی دانش آموز به دبیر از بین برود بلکه به دلیل اینکه دانش آموز را به دقت بیشتر در مطالب تدریس شده واداشت دانش آموزان را از پرداختن به کتابهای کمک درسی باز نداریم بلکه به مقایسه تدریسمان با آن کتاب‌ها وادار کنیم و تفاوت‌ها را از او بخواهیم و دلایل اختلاف را بازگو کنیم.

به کدامیک از آموزگاران دوران تحصیل تان «از ابتدایی تا دبیرستان» علاقه‌مند بوده‌اید؟ ایشان چه خصوصیتی داشتند؟ آیا نام این معلم را به خاطر می‌آورید؟

دبیران دوران دبیرستان را بسیار دوست داشتم به ویژه دبیر ادبیات خانم دولتشاهی که اهل بروجرد بودند و یکی از الگوهای من در تدریس بودند رفتار جدی همراه با دلسوزی و علم بالا و توجه او به تلاش‌های من باعث علاقه‌مندی من به او شد

درچشم شما چه دانش آموزانی همیشه به یادمی‌مانند؟

معمولاً دو نوع دانش آموز را به ذهن می‌سپارم یک دانش آموز درس خوان و فعال دوم دانش آموز شیطان و شلوغ کار دانش آموزان درس خواندن و فعال به دلیل تلاششان مورد توجه من قرار می‌گیرند و دانش آموزان شیطان و شلوغ کار به دلیل زیادی فعالیت و گاهی شیرین کاری‌های شان در ذهن ماندگار می‌شود

به کدامیک از آموزگاران دوران تحصیل تان «از ابتدایی تا دبیرستان» علاقه‌مند بوده‌اید؟ ایشان چه خصوصیتی داشتند؟ آیا نام این معلم را به خاطر می‌آورید؟

دبیران دوران دبیرستان را بسیار دوست داشتم به ویژه دبیر ادبیات خانم دولتشاهی که اهل بروجرد بودند و یکی از الگوهای من در تدریس بودند رفتار جدی همراه با دلسوزی و علم بالا و توجه او به تلاش‌های من باعث علاقه‌مندی من به او شد

یک بیت شعر که سر کلاس‌ها زیاد می‌خوندید و تکیه کلامتون بود.

به اقتضای رشته تدریسم برای بیان تفاوت زبان ادبی و زبان علمی یک بیت را همیشه تکرار می‌کردم: هزاران نرگس از چرخ جهانگرد فروشد تا برآمد یک گل زرد

یکی از تجربه‌های طلایی خودتون در زمینه معلمی رو با ما به اشتراک بذارید.

به نظرم جلسه اول کلاس، مهم‌ترین جلسه است. نیاز نیست بلافاصله به تدریس بپردازیم باید کمی از اهمیت درس مورد نظر بگوییم کمی از خودمان و توانایی‌های مان بگوییم و برنامه‌ای که برای دانش آموز داریم را بیان کنیم دغدغه دانش آموز را دغدغه خودمان بدانیم اصلاً طوری حرف بزنیم که گویا ما هم دانش آموز هستیم و قرار است یک موفقیت واحد دست پیدا کنیم

یک بیت شعر که سر کلاس‌ها زیاد می‌خواندید و تکیه کلامتون بود.

بیشتر از فعل‌های جمع استفاده کنیم تا مفرد بگوییم: ما باید این کار را انجام دهیم نه بگوییم: شما باید این کار را بکنید این نکته طلایی است که دانش آموز را در وجود دبیر محو می‌کند و مثل موم در دست دبیر قرار می‌گیرد.

ضمن عرض تشکر از شما که فرصتی برای گفت‌وگو در اختیار ما گذاشتید، اگر به‌عنوان سخن پایانی، مطلبی مورد نظر تان هست، بفرمایید.

مطلب پایان این است که با وجود هر شرایطی عاشق کاری باشید که می‌خواهید انجام دهید و آن را به هیچ چیزی وابسته نکنید نه مادی و معنوی
بر اساس این سخن که «یا علی گفتیم و عشق آغاز شد» در هر کاری یا علی می‌گویید با عشق جلو بروید دل به کار بدهید به کارتان فکر کنید به بهتر کردن آن فکر کنید به نتیجه خوب آن بیاندیشید
اندیشیدن، ابتکار و خلاقیت در پی دارد. تقلید صرف هیچ ارزشی ندارد. سهل انگاری و راحت طلبی نه لذتی دارد و نه موفقیتی
سخن یکی از متفکران را در این مورد بیان می‌کنم:
به نظر می‌آید که اشتیاق شدید نه تنها فرصت‌های مورد نیاز خود بلکه استعدادهای مورد نیازش را هم ایجاد می‌کند.
(اریک هافر)



معرفی مقاله حدیث نظری سازی زندگی در ادب عرفانی

فاطمه کاوسی

حدیث نظری سازی و
زندگی در ادب عرفانی
نویسنده: جناب آقای دکتر محمدرضا زمان احمدی
زمستان ۱۳۸۴
قسمتی از مقاله:
در شناخت‌شناسی عارفانه، ابزار شناخت مهم است. همان‌طور که فیلسوف و اهل استدلال از ابزار عقل جهت تبیین نظر خود بهره می‌جوید، عارف و صوفی، دل را تنها محک، ابزار و معیار شناخت حقیقت می‌داند و معتقد است که راز درون‌پرده را رندان مست (= عاشقان نظریات) می‌دانند و بس. آنان که گوششان از شنیدن قصه ایمان مست شده است در طلب آن‌اند که از مقام گوش (= علم‌الیقین به مقام چشم) عین‌الیقین = نظریات) نائل شوند. سعی نگارنده بر آن است تا علاوه بر بررسی موضوع نظریات از دیدگاه صاحب‌نظران، کاربرد و مصادیق آن را در قلمرو سیاست مدن) نشان دهد.

عقل جهت تبیین نظر خود بهره می‌جوید، عارف و صوفی، دل را تنها محک، ابزار و معیار شناخت حقیقت می‌داند و معتقد است که راز درون‌پرده را رندان مست (= عاشقان نظریات) می‌دانند و بس. آنان که گوششان از شنیدن قصه ایمان مست شده است در طلب آن‌اند که از مقام گوش (= علم‌الیقین به مقام چشم) عین‌الیقین = نظریات) نائل شوند. سعی نگارنده بر آن است تا علاوه بر بررسی موضوع نظریات از دیدگاه صاحب‌نظران، کاربرد و مصادیق آن را در قلمرو سیاست مدن) نشان دهد.

ای ازورای پرده تاب تاب تو تابستان ما
مارا جو تابستان ببردل کرم تابستان ما
ای چشم جان را تو سبزه آخر کجای قتی یا
تا آب رحمت برزند از صحن آستان ما
تا سوره کرد و سوره تا روضه کرد و کور ما
انگور کرد و خوره تا پخته کرد و نان ما
ای آفتاب جان و دل ای آفتاب از تو خجل
آخرین کاین آب و گل خون بست کرد جان ما
شد خاگردار از عشق رویت باره
تا صد خزار اقرار تا کند ایمان ما
ای صورت عشق ابد خوش رو نمودی در جد
تاره بری سوی احد جان را از این زندان ما
در دو غم بکشای غم روزی ما ازین شب
روزی غریب و بوالعجب ای صبح نورافشان ما
کو حرنی خرمه را زهره مدی زهره را
سلطان کنی بی‌بهره را شایش ای سلطان ما
کو دوده‌دار خود تو تا درسد در کرد تو
کو گوش بوش آورد تو تا شود بران ما
چون دل شود احسان شمر در سکر آن شخ شکر
نغمه بر آرد چاشنی اینج هر دزدان ما
آمد جان با ناک و دل تا جزو آید بر گل
ریحان بر ریحان گل بگل از صب خادستان ما



با اسکن این کد،
میتوانید به کانال
ما ملحق شوید

دوستان جان برای خواندن مقاله، می‌توانید به
کانال تلگرامی ژرفا سر بنزید و از خواندن این
مقاله لذت ببرید.

میانه‌ی مرداد ماه سال ۱۳۴۱ بود که دایی جان منصور برای اولین بار بعد از مهاجرتش، به ایران آمد. تنها نشانه از دایی جان برای من در تمام عمرم، نامه‌هایی بود که سالی چندبار برای عزیز جان می‌فرستاد و البته کتاب‌های خاک‌خورده‌ای که به تازگی گوشه‌ی زیرزمین خانه‌ی عزیز جان کشف کرده‌بودم؛ گفتند کتاب‌های دایی منصور است.

حالا دایی جان منصور که برای من فقط در خطوط نامه‌ها خلاصه میشد، ظهور کرده بود. سیما دل توی دلش نبود و می‌خواست دایی جان زودتر سوغات از آب گذشته‌اش را رونمایی کند. می‌گفت: «کاش ماتی‌ک هم آورده باشد!»

فردای مهمانی که خانه خالی از فامیل دور و نزدیک شد؛ لحظه‌ی موعود فرارسید. دایی جان منصور چمدان‌هایش را باز کرد. کیف‌ها و کلاه‌های رنگارنگی که دایی جان در تعریف آنها از هیچ غلوی دریغ نکرد و معتقد بود مارک هستند و لنگه‌شان در ایران پیدا نمی‌شود! در میان تعریف و تمجیدهای دایی جان از سلیقه‌ی خودش و پولی که پای آنها داده‌است و تقدیر و تشکر فراوان دیگران، چشمم به روزنامه‌های باطله‌ای افتاد که در چمدان و میان کیف‌ها بود. پدر روزنامه زیاد می‌خواند اما روزنامه‌ی انگلیسی‌زبان تا آن زمان ندیده‌بودم. دست بردم و تعدادی از آنها را برداشتم. مجاله شده بودند و تمام تلاشم را کردم تا بدون اینکه پاره شوند؛ بازشان کنم.

چیزی نمی‌فهمدم چون انگلیسی نمی‌دانستم. فقط عکس‌ها بودند که نظرم را جلب می‌کردند.

سرگرم زیر و رو کردن روزنامه‌ها و عکس‌هایشان بودم که چشمم به عکسی افتاد که گویی به عنوان نماد آشفتگی و شلختگی در روزنامه درج شده بود. درون عکس، میزی دیده می‌شد پر از کاغذ و کتاب و مجله. ظاهر صاحب این میز پیپ می‌کشید. چیزی شبیه قندان هم روی میز بود و من پیش خودم گفتم: «پس طرف آنقدرها هم فرنگی نیست. یحتمل مثل ما

ایرانی‌ها با چای قند می‌خورد.» قفسه‌های سمت چپ تا بالا پر نشده بود. شاید قد صاحبش کوتاه است و کتاب‌هایی که بیشتر لازمش می‌شود در این سمت می‌گذارد. اما کتاب‌ها و پرونده‌هایی که سالی یکبار به دردش می‌خورد را گذاشته بود سمت راست. مثل مادر که ظروف نقره‌ای را که از اصفهان خریده بود؛ عید به عید از بالاترین نقطه‌ی کمد درمی‌آورد.

صاحب اتاق صندلی خوبی داشت. یاد عمو سیروس افتادم که اداره‌جاتی بود و مدام از خشکی صندلی‌اش در اداره و کمردردش می‌نالید. اگر این عکس را می‌دید حتما می‌خواست کلی بد و بیراه بار رئیس بی‌کفایتشان کند و بگوید: «اسمش بالاد کفر است اما این‌ها مسلمان‌اند که با اداره‌جاتی جماعت کانه آدم رفتار می‌کنند.»

در نظرم صاحب اتاق معلم بود. و الا تخته سیاه به درد کسی نمی‌خورد. نوشته‌هایش هم مثل الباقی اتاق آشفته بود. اصلا معلوم نبود به چه خطی بود. گمان می‌کردم صاحب این اتاق دیوانه شده‌است و او را به دارالمجانین برده‌اند و عاقبت با عنوان «معلمی که از بس کتاب خواند؛ دیوانه شد» خبرش را منتشر کرده‌اند. عزیز جان سر رسید.

- «مادر این چیزا چی چیه‌س که گرفتی دستت؟ اینا از فرنگ اومده خب نیست شما بخونید.»

- «آخه عزیز؛ من که اصلا انگلیسی نمیدونم که بتونم بخونم. فقط دارم عکس‌هاشو نگاه می‌کنم.»

- «دیگه بدتر... معلوم نیست چه عکسایی این کافرا میندازن تو روزنامه‌هاشون. بده من! بده! کفری منا درنیا!»

ناگزیر در مقابل عزیز جان تسلیم شدم و روزنامه‌ها را به او دادم.

آن شب خواب از چشم‌هایم فرار کرده بود و تا نیمه‌های شب به برادرم محمود فکر کردم که معلم بود و کتاب زیاد می‌خواند. از قضا اتاقش هم همواره آشفته بود...